

تبیین جایگاه شهود در متون منثور فارسی عرفانی با استناد به آثار عرفا قرن ۵ تا ۷ و انعکاس آن بر نگاره‌های اسلامی

چکیده

شهود یکی از مهم‌ترین موضوعات عرفانی محسوب می‌شود که عرفای بسیاری از قرن سوم هجری در آثار خود به مراتب، مصادیق و احوال آن اشاره کرده‌اند. این مهم در بیان احوالات و اکتشافات شهودی آن‌ها به‌وضوح نمایان است. به اعتقاد اندیشمندان این حوزه مفهوم شهود همانند بسیاری از مفاهیم دیگر عرفانی با گذر زمان در آثار عرفا تطور و تکامل پیدا کرده است. هدف نگارش این پژوهش بررسی سیر تحول و تطور شهود در متون فارسی عرفانی منثور از ابتدای قرن پنجم تا انتهای قرن هفتم و انعکاس آن در نگارگری اسلامی می‌باشد. این پژوهش، در حوزه تحقیقات نظری و جزو تحقیقات توصیفی-تحلیلی به‌شمار می‌رود. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که پس از ظهور اصطلاحات عرفانی در حوزه ادبیات عرفانی، مفهوم شهود تحولات شگرفی یافت. به‌طوری‌که اذعان کردند شهود مولود تزکیه نفس است و در سیر تکاملی عارف نقش به‌سزایی دارد و یکی از مراحل مهم شناخت حق محسوب می‌شود. با استناد به آثار عرفا این قرون، عرفا در قرن پنجم علاقه‌شان به مسئله شهود با واژه رؤیت بیشتر همسو بود. در قرن ششم واژه‌های مشاهده و مکاشفه و شهود قرین شده‌اند و در قرن هفتم به تمایز بین شهود و مشاهده و کشف اعتقاد داشتند. این مفاهیم عرفانی در نگارگری اسلامی نیز نمود یافته است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی و تحلیل حوزه مفهوم شهود در آثار منثور عرفانی قرن ۵ تا ۷ هجری.

۲. بررسی جلوه‌های شهود و عرفان در نگارگری اسلامی.

سؤالات پژوهش:

۱. مفهوم شهود در آثار منثور عرفانی قرن ۵ تا ۷ هجری چگونه بازتاب یافته است؟

۲. شهود و عرفان در نگارگری اسلامی چگونه منعکس شده است؟

کلیدواژه‌ها: نگاره‌های اسلامی، مراتب شهود، عرفان اسلامی، متون فارسی منثور.

مقدمه

شهود یکی از راه‌های بارز دستیابی به معرفت عرفانی است که از دیرباز کانون توجه عرفا بوده است و از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری عرفا محسوب می‌شود؛ به‌طوری‌که همواره به تفسیر و تحلیل آن پرداخته‌اند. در مکتب کشف و شهود به جای سیر در آفاق، بر سیر در درون و تطهیر دل توصیه می‌شود. وقتی که عارف در مقام مکاشفه، حقایق را می‌بیند که تا قبل از آن موفق به ادراک آن‌ها نبوده، تحت تأثیر احوالی از قبیل: کرامات، شنیدن آوازهای ملکوتی، یکرنگی عاشق با معشوق و سخنان شطح‌آلود قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد تا قبل از قرن پنجم مباحث عرفانی به زبان عربی نوشته می‌شد اما از این قرن نگارش آثار عرفانی به زبان فارسی رونق بیشتری گرفت. از آثار فارسی این قرن می‌توان به تألیفات عرفایی چون هجویری و خواجه عبدالله انصاری نام برد. از نکات مهم دیگر این قرن می‌توان به مناجات و شطحیات و ترجمه و شروح آثار عربی به زبان فارسی اشاره کرد که راه‌گشای بسیار ارزشمندی برای شناخت «شهود» در متون فارسی عرفای قرن پنجم است. در قرن ششم آثار ارزنده‌ای درخصوص شهود نگارش شد که مفاهیم مرتبط و نزدیک با شهود مانند رؤیت، مکاشفه، مشاهده و شهود در معنا مقارن با هم شده و مفهوم ژرف‌تری یافتند و بسیاری از این اصطلاحات به متون ادبی فارسی راه یافتند. از جمله آثار فاخری که در این قرن به زبان فارسی نگارش شدند می‌توان به آثار عرفای بزرگی چون همدانی، سهروردی، سنایی، غزالی و... اشاره کرد. در عرفان اسلامی تحولات قرن هفتم را از نیمه دوم قرن ششم شاهد هستیم که اغلب عرفا متون فارسی خویش را به‌نوعی با تمهیدات ادبی ترکیب کرده‌اند. در این دوره مفاهیم مرتبط با شهود در متون فارسی کاملاً جلوه‌ای ادبی می‌یابد. عرفا نیز از ویژگی‌های ادبی قدرتمندی برخوردار بودند و آثار رفیعی خلق کردند که تقسیم‌بندی در ادبیات عرفانی سبب شده کم‌تر به مقوله عرفانی آن‌ها خصوصاً از منظر شهود پرداخته شود. با توجه به مطالب بیان‌شده، پژوهش حاضر پس از بررسی مفهوم شهود و تبیین مراتب و مصادیق آن در متون فارسی عرفانی منثور در پی پاسخ به این پرسش است که، سیر تطور و تجلی شهود از ابتدای قرن پنجم تا اواخر قرن هفتم، چگونه بوده است؟ بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. با این حال مقالاتی به‌صورت پراکنده به بررسی زوایای مختلف عرفان در متون ادبی قرن اول تا هفتم پرداخته‌اند. اجیه و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل بازتاب آیه تجلی در متون عرفانی فارسی تا پایان قرن هفتم» به بررسی مضامینی چون تقاضای رؤیت، شهود پروردگار، تجلی بر کوه طور، بیهوشی موسی به بررسی این موضوع پرداخته است. با این اوصاف به‌صورت مستقل به بحث شهود در آثار منثور و بازتاب آن در نگارگری اسلامی نپرداخته است لذا پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است به بررسی این موضوع می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

شهود از آغاز ورود به تاریخ عرفان از قرن پنجم تا پایان قرن هفتم هجری، تحولات و تغییراتی را گذرانده است. اغلب عرفا در آثار خود پیرامون مفاهیم و مراتب و ویژگی‌های شهود سخن گفتند اما بعضی از عرفا آشکارا به موضوع شهود نپرداخته‌اند و به محورهای اصلی آن یعنی مشاهده، مکاشفه، رؤیت، کشف و تجلی اشاره کرده‌اند، به این معنا که با ذکر این مفاهیم، شهود را بهتر وصف کرده و شهود را نتیجه مکاشفه، رؤیت، مشاهده، کشف و تجلی دانسته‌اند؛ به عبارت دیگر می‌توان سیر تطور شهود را به دو صورت ارائه کرد:

۱- سیر تطور شهود از دیدگاه عرفا؛

۲- سیر تطور شهود به تفکیک هر قرن.

شهود در اصطلاح عرفان تصرف دیدار باری تعالی است به چشم دل که پس از گذراندن مقامات و درک کیفیات احوال حاصل می‌شود. بنابراین می‌توان گفت: شهود در قرون پنجم تا هفتم به دلایل متعددی دستخوش تحولات شگرفی گردیده است که یکی از مهم‌ترین این عوامل نوع نگرش و رویکرد عرفا و همچنین تجارب شخصی عرفانی آن‌ها می‌باشد. در نگارگری اسلامی نیز منابع بسیاری به مراتب شهود عرفانی و به‌خصوص موضوع معراج پیامبر پرداخته‌اند.

منابع و مآخذ:

- استیس، والتر ترنس. (۱۳۶۷). عرفان و فلسفه. مترجم: بهاءالدین خرمشاهی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سروش.
- الهامی، داوود. (۱۳۷۴). عرفان و تصوف. تهران: انتشارات مکتب اسلام.
- انصاری، خواجه عبدالله. (۱۳۸۹). منازل السائرین. مصحح: اسماعیل منصوری لاریجانی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- بقلی، روزبهان. (۱۳۸۲). شرح شطحیات. مترجم: هانری کربن، مصحح: محمدعلی امیر معزی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات طهورا.
- بقلی، روزبهان. (۱۳۸۹). مشرب الأرواح. مصحح: قاسم میرآخوری، تهران: انتشارات آزاد مهر.
- بقلی، روزبهان. (۱۳۸۳). عبهر العاشقین. چاپ چهارم، تهران: انتشارات منوچهری.
- پورجوادی، نصرالله. (۱۳۷۵). رؤیت ماه در آسمان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جام، احمد. (۱۳۶۸). انس التائبین. مصحح: علی فاضل، تهران: انتشارات توس.
- حلبی، علی اصغر. (۱۳۸۳). جلوه‌های عرفان و چهره‌های عارفان. تهران: نشر قطره.
- رازی، نجم‌الدین. (۱۳۸۷). مرصاد العباد. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- زمانی، مهدی؛ قاسمی، محمدجواد. (۱۳۹۱). پیوند رؤیت فؤاد و بصر در معراج پیامبر (ص)، مطالعات عرفانی دانشگاه کاشان، دوره ۲، شماره ۱۶، ۱۵۷-۱۷۷.

- سجادی، سید جعفر. (۱۳۷۰). فرهنگ اصطلاحات عرفانی. تهران: امیرکبیر.
- سراج طوسی، ابو نصر. (۱۳۸۲). اللمع فی التصوف. ترجمه: مهدی محبتی، تهران: اساطیر.
- سهروردی، شهاب‌الدین. (۱۳۶۴). عوارف‌المعارف. مترجم: ابومنصور عبد المؤمن اصفهانی، تصحیح: قاسم انصاری، تهران: علمی فرهنگی.
- شادآرام، علیرضا؛ نامور، زهرا. (۱۴۰۰). «چیستی و چرایی تأثیر ادبیات عرفانی بر نگارگری ایرانی (با رویکرد نشانه‌شناسی)». دوره ۱۵، ش ۲، ۱۸۵-۲۱۰.
- شریفی، مهدی؛ امرائی، علی. (۱۳۹۳). «رویکرد عرفانی و تجلی عالم مثال در نگاره‌های ایرانی. نمونه موردی: بررسی تطبیقی هنر نگارگری مکتب تیموری و صفویه با تأکید بر رنگ و عناصر بصری». کنفرانس ملی معماری و منظر شهر پایدار.
- شعرانی، عبدالوهاب. (۱۳۸۸). طلای سرخ. مترجم: احمد خالدی، تهران: انتشارات سروش.
- شیروانی، علی. (۱۴۱۳ ه.ق). مقدمه‌ای بر تحقیق کتاب منازل السائرین. قم: انتشارات بیدار.
- عبادی، قطب‌الدین اردشیر. (۱۳۶۷). صوفی‌نامه، التصفیه فی احوال متصوفه، تصحیح: غلامحسین یوسفی، تهران: علمی.
- عطار، فریدالدین. (۱۳۷۵). تذکره الاولیا. مصحح: نیکلسون؛ حسین خلیلی، چاپ سوم، تهران: کتابخانه منوچهری.
- غزالی، احمد. (۱۳۵۶). بحرالحقیقه. به اهتمام: نصرالله پورجوادی، تهران: انجمن شاهنشاهی.
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم. (۱۳۷۴). رساله قشیریه. مترجم: ابوعلی عثمانی، مصحح: بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- کاشانی، عبدالرزاق. (۱۳۷۲). فرهنگ اصطلاحات عرفان و تصوف، مترجم: محمد خواجه‌ای، تهران: متولی.
- کاشانی، عزالدین محمود. (۱۳۷۶). مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه. تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: هما.
- نوربخش، جواد. (۱۳۷۴). شرح اصطلاحات تصوف. جلد ۴، چاپ دوم، تهران: ناشر مؤلف.
- هجویری، علی‌بن عثمان. (۱۳۸۳). کشف‌المحجوب. تصحیح محمود عابدی، تهران: سروش.
- همدانی، عین‌القضات. (۱۳۷۷). تمهیدات. مقدمه و تصحیح: عفیف عسیران، تهران: منوچهری.